

حوزه علمیه، نظام اسلامی و حضور روحانیت در عرصه سیاست

نعمت‌الله کرم‌الهی / استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

n.karamollahi@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۳/۵/۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۴

چکیده

«رابطه حوزه علمیه و نظام اسلامی» و نیز «ورود روحانیت به سیاست» از موضوعات مهمی است که دیدگاه‌های گوناگونی را برانگیخته است. هدف این مقاله ارائه تصویری واقع‌نگر از ارزیابی طلاب حوزه علمیه قم در خصوص این دو موضوع مهم است. این تحقیق با روش «پیمایشی» و ابزار پرسش‌نامه در بین نمونه آماری ۶۵۰ نفری از طلاب (خواهر و برادر) سطح دو و بالاتر اجرا شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، بیش از ۹۶ درصد پاسخ‌گویان قابل به پیوند وثیق سرنوشت نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه‌اند و بیش از ۸۰ درصد نسبت نظام اسلامی و روحانیت را نسبت «حمایت و نصیحت» ارزیابی کرده‌اند. ۹۷/۱ درصد پاسخ‌گویان با ضرورت حضور روحانیت در متن تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. ۹۳/۲ درصد بی‌تفاوتی روحانیت در قبال مسائل سیاسی جامعه را موجب آسیب رسیدن به دین و تنها ۱/۶ درصد ورود حوزه علمیه در مسائل سیاسی را موجب دین‌گریزی مردم دانسته‌اند. همچنین بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای با متغیرهای مزبور نشان می‌دهد طلاب به‌رغم تفاوت در ویژگی‌های زمینه‌ای، همه در نحوه ارزیابی از رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی دیدگاه یکسانی ابراز کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: حوزه، نظام، اسلام، روحانیت، دین، سیاست.

مقدمه

حوزه علمیه تشیع به‌عنوان یک نهاد اجتماعی برآمده از متن فرهنگ دینی جامعه اسلامی، در طول حیات دیرپا و پرثمر خود، در تعامل پویا و اثربخش با اقلشار گوناگون مردم، همواره افزون بر پاسخ‌گویی به نیازها و مسائل دینی، گره‌گشای مشکلات و مسائل اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی آنان نیز بوده است. در نتیجه این تعامل پویا و پشتیبانی همراه با اعتماد مردم، نهاد روحانیت و به‌ویژه علما و بزرگان دین، همواره نقش مهم و تأثیرگذاری در حدوث و پیش‌برد تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی ایفا کرده‌اند. این نقش، در دوران معاصر و در جریان وقوع رخ‌دادهایی همچون جنبش مشروطیت، نهضت تنباکو، مقابله با دخالت بیگانگان و مانند آن برجسته‌تر شده و با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری روحانیان مبارز و به‌ویژه برقراری حکومت دینی با محوریت ولایت فقیه، تبلور و اهمیت فزاینده‌ای یافته است. متناسب با جایگاه رفیع روحانیت و نقش تعیین‌کننده آن در تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه کنونی (به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری حکومت دینی)، به‌رغم ابراز برخی تردیدها در باب کارآمدی و توانمندی روحانیت و حتی دین در اداره حکومت و تدبیر زندگی اجتماعی، انتظارات از روحانیت به نحو چشم‌گیری افزایش یافته است، به‌گونه‌ای که رهبران انقلاب در مناسبت‌های گوناگون، درباره سازوکار تعامل حوزه علمیه و نظام اسلامی، وظایف نظام اسلامی در قبال حوزه علمیه، سازوکار حفظ استقلال حوزه علمیه، و مانند آن سخنان صریح و روشن‌گرانه‌ای بیان کرده‌اند. روشن است که برقراری مناسبات مطلوب میان حوزه علمیه و نظام اسلامی، بیش و پیش از همه، در گرو تلقی روشن بدنه حوزه‌های علمیه از رابطه حوزه و نظام اسلامی و نیز ارزیابی همدلانه آنان از ضرورت حضور روحانیت در عرصه سیاست است. در این میان، نحوه نگرش طلاب به روابط حوزه علمیه و نظام اسلامی و نیز نوع رویکرد آنان نسبت به ورود روحانیت به ساحت سیاست، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اینکه ارزیابی طلاب به‌عنوان بدنه اصلی حوزه، از رابطه نظام اسلامی و حوزه علمیه چیست؟ آنان چه سازوکاری برای تعامل نظام اسلامی و حوزه علمیه قایلند؟ ایشان چه رویکردی در قبال ورود حوزه علمیه و روحانیان به عرصه سیاست دارند؟ و تأثیر بی‌تفاوتی یا احساس مسئولیت روحانیت در باب مسائل سیاسی را در دین‌داری یا دین‌گریزی مردم چگونه ارزیابی می‌کنند؟ سؤالات مهمی هستند که پاسخ‌گویی علمی و روشمند به آنها، می‌تواند ضمن ترسیم تصویری روشن از واقعیات موجود مسئولان را در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی واقع‌نگرانه در این‌باره نیز یاری رساند.

با وجود اهمیت سؤالات مزبور و ضرورت پاسخ‌دهی روشمند به آنها، بررسی پژوهش‌های موجود نشانگر فقدان تحقیقاتی است که با روش میدانی و مطالعه نظرات واقعی طلاب، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات برآمده باشند. با وجود این، برخی پژوهش‌ها و منابع وجود دارند که به ابعادی از موضوع این مقاله پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: کتاب **رابطه روحانیت و نظام اسلامی از منظر امام و رهبری**، کتاب **روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی**، کتاب **حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری**، مقاله «تعامل روحانیت و دولت اسلامی»، مقاله «نگاهی به روش‌شناسی امام در باب ورود روحانی به عرصه سیاست». این پژوهش‌ها جملگی از سنخ پژوهش‌های اسنادی بوده و یافته‌های هیچ‌یک مبتنی بر داده‌های میدانی حاصل از روش پیمایش نیست. پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری مقتضی از محتوای منابع مزبور، کوشیده است تا با گردآوری داده‌های مورد نیاز از طریق روش پیمایش و تحلیل آماری داده‌ها، تصویری روشن از نگرش طلاب حوزه علمیه قم درباره ورود روحانیت به امور سیاسی و نیز رابطه حوزه علمیه با نظام اسلامی ترسیم کند. روشن است که با توجه به مطالعه چگونگی ارزیابی طلاب حوزه علمیه قم از موضوعات مزبور، یافته‌های این مقاله می‌تواند مسئولان امر را نسبت به نوع قضاوت بدنه حوزه در ارتباط با آنها آگاه سازد.

به اختصار، این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است:

۱. ارزیابی طلاب حوزه علمیه قم از رابطه نظام اسلامی و حوزه علمیه چیست؟
۲. ارزیابی طلاب حوزه علمیه قم از ورود روحانیت و حوزه علمیه به عرصه سیاست چیست؟

چارچوب مفهومی

مکتب اسلام مبتنی بر سه اصل «مبدأ»، «معاد» و «رهبری الهی» برای همه ابعاد مادی و معنوی بشر به مقتضای جامعیت، و در هر عصری به مقتضای خاتمیت و جاودانگی آن، برنامه و دستورالعمل دارد. در این میان، رهبری الهی به‌عنوان موهبتی الهی و پیونددهنده دو اصل دیگر، هیچ‌گاه از انسان دریغ نشده است. روحانیت به‌عنوان جریان تداوم‌بخش رهبری الهی و نظام اسلامی، به‌عنوان یکی از لوازم حیات اجتماعی، دو نهاد اسلامی دیرپا و متلائم هستند (معصومی، ۱۳۹۲).

در باب سازوکار تعامل نهاد روحانیت و دولت اسلامی، رهیافت‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان بر حسب نوع تلقی از مفهوم «روحانیت» و «دولت اسلامی»، رابطه بین دین و جامعه، اسلام و حکومت، اسلام و روحانیت، و روحانیت و جامعه را به چهار رویکرد کلان تقسیم کرد:

رویکرد نخست روحانیت را تابع دولت اسلامی و در خدمت آن دانسته و بر آن است که به‌سبب اسلامی بودن دولت، به حکم وظیفه دینی، همه، از جمله روحانیت و حوزه‌های علمیه باید از دولت اسلامی اطاعت کنند.

رویکرد دوم با حاکم دانستن روحانیت بر دولت اسلامی، دولت را مجرای اجرای حدود الهی و روحانیت را عامل اجرای آن می‌داند. بنابراین، دولت اسلامی آنگاه محقق می‌شود که روحانیت به‌عنوان رهبر دینی در رأس آن باشد.

رویکرد سوم با جدانگاشتن دین و سیاست، عرصه حضور و مأموریت روحانیت و دولت را متفاوت و متمایز می‌داند.

سرانجام رویکرد چهارم به‌رغم پذیرش پیوند دین و سیاست، قایل به دولت اسلامی منهای روحانیت است (معصومی، ۱۳۹۰). روشن است که هر یک از رویکردهای مزبور ارزیابی متفاوتی از «رابطه حوزه علمیه و نظام اسلامی» و «ورود روحانیت به عرصه سیاست» دارند.

با عنایت به تنوع رویکردهای موجود و عدم امکان تلفیق آنها و نیز ضرورت اتخاذ رویکرد واحد و منسجم در بررسی علمی، در تدوین چارچوب مفهومی این تحقیق، رهیافت امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای مبنا قرار گرفته است. بنابراین، تحقیق حاضر با استناد بر رهیافت امام و رهبری در باب «رابطه حوزه علمیه و نظام اسلامی» و «ورود روحانیت به سیاست»، بر آن است تا با بهره‌گیری از روش پیمایش، ضمن شناسایی روشمند نحوه ارزیابی طلاب حوزه علمیه قم نسبت به این دو مقوله مهم، میزان تلائم نگرش آنان با اندیشه امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص را نیز بررسی نماید.

آیت‌الله خامنه‌ای در پیام‌ها و سخنرانی‌های گوناگون، به‌ویژه در دیدار با حوزویان، فهرستی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با حوزه‌های علمیه را به تفصیل بیان کرده است. از زمره مهم‌ترین این موضوعات، می‌توان به «مناسبات حوزه علمیه و نظام اسلامی» و «ورود روحانیت به سیاست» اشاره کرد. در ادامه، با استناد به متن سخنرانی ایشان در دیدار با طلاب و استادان حوزه علمیه در تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۸۹، دیدگاه رهبری واکاوی و بخشی از چارچوب مفهومی مناسب برای طراحی سؤالات پرسش‌نامه ارائه شده است.

آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین سازوکار تعامل حوزه علمیه و نظام اسلامی، معتقدند: «نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح» (حسینی خامنه‌ای، سخنرانی مورخ ۲۹ مهر ۱۳۸۹).

ایشان با بیان این نکته که طرح بحث «استقلال حوزه» نباید زمینه را برای بروز مغالطه «ضرورت فاصله‌گیری حوزه از نظام اسلامی و عدم حمایت از آن» ایجاد کند، می‌فرمایند:

در اینجا هم مراقب باشید یک مغالطه دیگری به وجود نیاید؛ استقلال حوزه‌ها به معنای عدم حمایت نظام از حوزه و حوزه از نظام تلقی نشود ... بعضی‌ها می‌خواهند به‌عنوان استقلال و به نام «استقلال»، رابطه حوزه را با نظام قطع کنند.

ایشان با مقابل قرار دادن «وابستگی» و «استقلال»، اظهار می‌دارند: «وابستگی غیر از حمایت است، غیر از همکاری است. نظام به حوزه مدیون است؛ باید به حوزه‌ها کمک کند» (همان).

آیت‌الله خامنه‌ای با جداسازی هزینه‌های معیشت طلاب از سایر هزینه‌های مراکز حوزوی، ضمن تأکید بر ضرورت استقلال معیشت طلاب از حکومت اظهار می‌دارند:

معیشت طلاب به صورت سنت، معمول و بسیار پرمعنا و پررمز و راز، باید به‌وسیله مردم اداره شود. مردم بیایند وجوهات شرعی‌شان را بدهند ... اما مسائل حوزه‌ها فقط مسئله معیشت نیست. در حوزه‌ها، هزینه‌هایی وجود دارد که جز با کمک بیت‌المال مسلمین و کمک دولت‌ها امکان ندارد آن هزینه‌ها تحقق پیدا کند. دولت‌ها موظفند این هزینه‌ها را بدهند؛ دخالتی هم نباید بکنند (همان).

افزون بر موضوع «رابطه نظام اسلامی و حوزه علمیه»، موضوع «ورود روحانیت به سیاست» نیز همواره محل توجه محافل درون و برون حوزوی بوده و هر کدام به فراخور و تناسب دیدگاه و منافع خویش، به رد یا تأیید آن پرداخته‌اند. هم در میان حوزویان و هم غیرحوزویان، افراد و جریاناتی هستند که با ورود روحانی به عرصه سیاست مخالفت می‌کنند. به‌رغم وجود نظرات موافق و مخالف، به نظر می‌رسد امروزه فضای غالب در میان طلاب و روحانیان فضای ورود به عالم سیاست و تعامل با آن است (فلاح، ۱۳۸۸).

امام خمینی^ع به‌رغم مخالفت اولیه با حضور روحانیت در مناصب اجرایی، به صراحت، اظهار داشتند:

من از اول ... در مصاحبه‌هایی که کردم، ... این کلمه را گفته‌ام که روحانیون شغلشان یک شغل بالاتر از این مسائل اجرایی است و چنانچه اسلام پیروز بشود، روحانیون می‌روند سراغ شغل‌های خودشان. لکن وقتی که ما آمدیم و وارد در معرکه شدیم، دیدیم که اگر روحانیون را بگوئیم همه بروید سراغ مسجدتان، این کشور به حلقوم آمریکا یا شوروی می‌رود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۳۴۹-۳۵۰).

بنابراین، امام راحل در مواضع بعدی، ضمن تأکید بر پیوند دین و سیاست، به صراحت، با تکلیف دانستن حضور روحانیت در عرصه‌های گوناگون سیاسی، آنها را با این سخنان، به ورود در این عرصه فرامی‌خواندند:

روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیاز قابل شوند که در حوزه ننشسته‌اند، بلکه برای اجرای حکم خدا، راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند. ... ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی‌سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این نخواهیم داشت (همان، ج ۱، ص ۲۹۲).

در تحقیق حاضر، با مبنای قرار دادن دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در باب «مناسبات حوزه علمیه و نظام اسلامی» و نیز دیدگاه امام خمینی^ع در خصوص «حضور روحانیت در عرصه سیاست»، گویه‌های پرسش‌نامه طراحی، و ارزیابی طلاب از گویه‌های مذکور بررسی شده است.

روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از روش «پیمایشی» اجرا شده است. جمعیت آماری شامل طلاب (خواهر و برادر) سطح دو و بالاتر حوزه‌های علمیه قم است. حجم نمونه آماری ۶۵۰ نفر است که با عنایت به پراکندگی جمعیت آماری در مراکز گوناگون حوزوی (فیضیه، جامعه‌الزهراء، و مدارس علمیه و حتی شهرک‌ها)، برای انتخاب نمونه آماری، از روش نمونه‌گیری ترکیبی (طبقه‌ای - میدانی) استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز تحقیق با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته گردآوری شده است. برای سنجش اعتبار پرسش‌نامه، از روش «اعتبار محتوا» استفاده شده است؛ به این معنا که هم در طراحی و هم ارزیابی و اصلاح پرسش‌نامه از محققان و کارشناسان متعدد استفاده شده است. برای سنجش پایایی سؤالات نیز از فن «آلفای کرونباخ» استفاده شد. در مجموع، نتایج به‌دست آمده از محاسبه آلفا (۷۵ درصد) نشانگر همسازی درونی نسبتاً بالای گویه‌ها با یکدیگر است. در پایان نیز داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار «Spss» پردازش و تحلیل شد.

یافته‌های تحقیق

الف. سیمای آماری پاسخ‌گویان

براساس یافته‌های تحقیق، جنسیت ۶۹/۹ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۳۰/۱ درصد نیز زن بوده است. از حیث وضعیت تأهل، بیشتر پاسخ‌گویان (۷۵/۶ درصد) متأهل و ۲۴/۴ درصد نیز مجرد بوده‌اند. در

گویی که «نظام سیاسی می‌تواند در صورت لزوم، در امور حوزه علمیه دخالت کند» گزینه‌های کاملاً موافق (۱۱/۷ درصد) و موافق (۱۹/۴ درصد) را انتخاب کرده‌اند، و همچنین ۷۳ درصد بر این اصل اساسی در استقلال مالی حوزه از حکومت صحه گذارده‌اند که معیشت طلاب باید به وسیله مردم و از طریق پرداخت وجوهات شرعی تأمین شود. البته در این میان، نسبت بالایی از پاسخ‌گویان (۸۷/۴ درصد) با اعطای کمک مالی از سوی نظام سیاسی به حوزه‌های علمیه در امور زیربنایی و عمرانی موافق بوده‌اند.

تفصیل یافته‌های مربوط به ارزیابی طلاب حوزه علمیه قم از رابطه حوزه علمیه با نظام اسلامی در جدول ذیل آمده است:

جدول (۱): توزیع نظرات طلاب در خصوص رابطه حوزه علمیه با نظام اسلامی

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	مخالف	کاملاً مخالف	بی‌خواب	خط	مؤافق و کاملاً
سرنوشت نظام اسلامی و حوزه علمیه به هم گره خورده است	۷۶/۱	۲۰/۲	۲/۹	۰/۵	۰/۳	۱۰۰	۹۶/۳
حکومت جمهوری اسلامی، حکومت ارزش‌های دینی است؛ نه حکومت افراد روحانی	۷۶/۶	۱۷/۶	۲/۹	۱/۴	۱/۵	۱۰۰	۹۴/۲
نظام سیاسی باید در امور زیربنایی و عمرانی به حوزه علمیه کمک مالی بکند	۵۶/۹	۳۰/۵	۷/۴	۳/۱	۲/۲	۱۰۰	۸۷/۴
نسبت روحانیت با نظام اسلامی نسبت حمایت و نصیحت است	۴۵/۸	۳۴/۴	۱۴/۲	۲/۶	۳/۱	۱۰۰	۸۰/۲
معیشت طلاب به صورت سنت معمول باید به وسیله مردم و از طریق پرداخت وجوهات شرعی تأمین شود	۴۱/۸	۳۱/۳	۱۶/۵	۸/۶	۱/۸	۱۰۰	۷۳/۱
نظام سیاسی می‌تواند در صورت لزوم در امور حوزه علمیه دخالت کند	۱۱/۷	۱۹/۴	۳۱/۱	۳۴/۱	۳/۷	۱۰۰	۳۱/۱

پس از توصیف نحوه ارزیابی طلاب از رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، طرح این سؤال اهمیت دارد که آیا تفاوت ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخ‌گویان بر نحوه ارزیابی آنها از مناسبات نظام اسلامی و حوزه علمیه تأثیرگذار است یا خیر؟ به بیان دیگر، آیا این نتایج تحت تأثیر جنسیت، سن، وضعیت تأهل، و پایه تحصیلی پاسخ‌گویان تغییر می‌کند، یا به‌رغم تفاوت طلاب در ویژگی‌های مزبور، تفاوت معناداری میان چگونگی ارزیابی آنان از رابطه حوزه علمیه با نظام اسلام وجود ندارد؟ برای پاسخ به سؤالات مزبور، داده‌های تحقیق متناسب با سطح سنجش، با استفاده از آزمون‌های آماری آنالیز واریانس و رگرسیون چندگانه مجدداً تحلیل شد. نتایج به دست آمده به شرح ذیل است:

خصوص سطح تحصیلات حوزوی، قریب ۶۰ درصد پاسخ‌گویان در سطح دو، ۲۹ درصد در سطح سه و ۷/۷ درصد در سطح چهار حوزه اشتغال به تحصیل داشته‌اند، ۵/۴ درصد نیز سطح تحصیلات حوزوی خود را اعلام نکرده‌اند. اطلاعات مربوط به سطح تحصیلات غیرحوزوی پاسخ‌گویان نیز نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد دارای تحصیلات در حد دیپلم و پایین‌تر هستند. نسبت طلاب دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری نیز قریب ۶ درصد است. وضعیت تملک محل سکونت نیز نشانگر آن است که بیشترین نسبت پاسخ‌گویان (۴۰ درصد) در منازل اجاره‌ای، ۲۶ درصد در منازل ملکی، ۱۸/۶ درصد در حجره‌ها و ۱۳/۶ درصد نیز در منازل سازمانی حوزوی (مانند شهرک مهدیه و دارالعلم) ساکن هستند. میانگین سن طلاب جامعه نمونه ۲۹ سال است. میانه سال ورود به حوزه سال ۱۳۷۹ است؛ به این معنا که ۵۰ درصد طلاب جامعه آماری پیش از سال ۱۳۷۹ و ۵۰ درصد نیز بعد از آن وارد حوزه علمیه شده‌اند. البته در صورت تفکیک سال ورود به حوزه در بین برادران و خواهران، شاخص میانه از سال ۱۳۷۹ به سال‌های ۱۳۷۷ برای برادران و ۱۳۸۴ برای خواهران تغییر می‌یابد.

ب. ارزیابی طلاب از رابطه حوزه علمیه با نظام اسلامی

با توجه به سنجش جداگانه نحوه ارزیابی پاسخ‌گویان از رابطه حوزه علمیه با نظام اسلامی و نیز حضور روحانیت در عرصه سیاست، در ادامه، ابتدا نتایج حاصل از تحلیل نحوه رویکرد طلاب به رابطه نظام اسلامی و حوزه علمیه در جدول شماره (۱) ذکر می‌شود. سپس با بررسی نظرات پاسخ‌گویان به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای، تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که آیا دیدگاه طلاب در باب رابطه حوزه علمیه با نظام اسلامی، متأثر از ویژگی‌های زمینه‌ای آنهاست یا خیر؟

یافته‌های ستون پایانی جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که بیش از ۹۶ درصد طلاب جامعه نمونه بر این عقیده‌اند که سرنوشت نظام اسلامی و حوزه علمیه به هم گره خورده و بیش از ۸۰ درصد، نسبت نظام اسلامی و روحانیت را نسبت حمایت و نصیحت ارزیابی کرده‌اند. البته به‌رغم اعتقاد راسخ پاسخ‌گویان به ضرورت حضور روحانیت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی - تفصیل آن در مبحث بعد خواهد آمد - بیش از ۹۴ درصد آنان حکومت جمهوری اسلامی را نه حکومت افراد روحانی، بلکه حکومت ارزش‌های دینی ارزیابی کرده‌اند. به بیان دیگر، آنان صرف روحانی بودن را ایجادگر حق و صلاحیت برای احراز مناصب حکومتی ندانسته‌اند.

نکته قابل توجه اینکه طلاب در کنار اعتقاد به درهم‌تنیدگی؟؟ سرنوشت نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه، بر ضرورت استقلال حوزه نیز تأکید کرده‌اند. در این زمینه، تنها ۳۱/۱ درصد در پاسخ به این

افزایش مدت زمان حضور آنان در حوزه علمیه، مثبت‌تر می‌شود. با افزایش هر یک سال حضور طلاب در حوزه علمیه و نیز افزایش هر یک سال به سن طلاب - به ترتیب - قریب ۱۰ و ۱۲ درصد بر ارزیابی مثبت آنان نسبت به رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی افزوده می‌شود.

جدول (۴): تحلیل رگرسیون چندگانه برای متغیرهای سال ورود به حوزه و سن پاسخ‌گویان

با متغیر نحوه ارزیابی از رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی

متغیرهای زمینه‌ای	ضرایب رگرسیونی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین
ورود به حوزه	۰/۰۸۱	۰/۰۴۵	۰/۱۲۲	۰/۰۱۵
سن	۰/۱۱۵	۰/۰۰۵		

ج. ارزیابی طلاب از حضور روحانیت و حوزه علمیه در عرصه سیاست

پس از ارائه تصویری از چگونگی ارزیابی پاسخ‌گویان از رابطه نظام اسلامی و حوزه علمیه، در ادامه، ابتدا نحوه ارزیابی آنان از ورود روحانیت و حوزه علمیه به عرصه سیاست بیان می‌شود. سپس پاسخ‌های کلی به دست آمده از دیدگاه طلاب جامعه نمونه، به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای آنان بازتحلیل می‌شود تا تأثیر یا عدم تأثیر این متغیرها در نحوه ارزیابی پاسخ‌گویان از ورود روحانیت به عرصه سیاست مشخص شود. در اینجا نیز این سؤال مطرح می‌شود که آیا جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، سال ورود به حوزه علمیه و مانند آن بر چگونگی نگاه طلاب به موضوع «ضرورت اهتمام روحانیت و حوزه علمیه به عرصه سیاست و عدم بی‌تفاوتی در قبال آن»، تأثیرگذار است یا خیر؟

یافته‌های ستون پایانی جدول (۵) نشان می‌دهد که بیش از ۹۷ درصد پاسخ‌گویان با ضرورت حضور روحانیت در متن تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. در مقابل، ۹۳/۲ درصد آنان بی‌تفاوتی روحانیت و حوزه علمیه در قبال مسائل سیاسی جامعه را موجب آسیب رسیدن به دین دانسته‌اند. تنها ۱۸/۶ درصد با این عبارت که ورود حوزه علمیه در مسائل سیاسی موجب دین‌گریزی مردم می‌شود، موافقت خود را اعلام کرده‌اند. نکته قابل توجه دیگر اینکه قریب ۸۸ درصد پاسخ‌گویان وجود اختلاف و نزاع سیاسی و جناحی در بین روحانیت را موجب بدبینی مردم به روحانیت می‌دانند و بنابراین، بر لزوم پرهیز از آن تأکید می‌کنند. این یافته‌ها نشانگر باور محکم طلاب سطوح گوناگون حوزه به پیوند دین و سیاست و رسالت سیاسی و اجتماعی روحانیت در قبال جامعه است.

۱. نتایج آزمون آماری «T استودنت» نشانگر فقدان رابطه معنادار آماری میان متغیرهای وضعیت تأهل و جنسیت با متغیر «رابطه حوزه علمیه با نظام اسلامی» است. بر اساس نتایج مزبور، طلاب مجرد و متأهل و نیز طلاب دختر و پسر تلقی نسبتاً یکسانی از رابطه حوزه علمیه با نظام اسلامی دارند. به دیگر سخن، با اطمینان می‌توان گفت: یافته‌های جدول شماره (۱) بر این دیدگاه همه طلاب بوده و وضعیت تأهل و نیز جنسیت آنان تأثیری در نحوه نگاه آنها به رابطه حوزه‌های علمیه و نظام اسلامی ندارد.

جدول (۲): ستاده‌های آزمون T برای متغیر نحوه ارزیابی رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی

و متغیرهای وضعیت تأهل و جنسیت

متغیرهای زمینه‌ای	مقدار آزمون T	سطح معناداری
وضعیت تأهل	-۱/۱۳۷	۰/۲۶
جنسیت	-۰/۲۲۹	۰/۸۲

۲. نتایج آنالیز واریانس (آزمون F) نشان‌دهنده نبود رابطه معنادار آماری میان متغیرهای وضعیت تملک محل سکونت و سطح تحصیلات حوزوی و غیرحوزوی طلاب، با نحوه ارزیابی آنان از رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی است. بنابراین، پاسخ‌گویان به‌رغم تفاوت در نحوه تملک واحد مسکونی (اجاره‌ای، ملکی، حجره، سازمانی حوزوی) و نیز تفاوت در سطوح تحصیلات حوزوی (سطح دوم، سوم و چهارم) و غیرحوزوی (تحصیلات عمومی، کاردانی و کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری)، همه در چگونگی ارزیابی رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی وحدت نظر دارند.

جدول (۳): ستاده‌های آزمون F برای متغیر نحوه ارزیابی رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی

و متغیرهای وضعیت تحصیلی و نوع تملک محل سکونت

متغیرهای زمینه‌ای	مقدار آزمون F	سطح معناداری
نحوه تملک واحد مسکونی	۰/۷۱۲	۰/۵۴
تحصیلات حوزوی	۲/۱۵۹	۰/۰۹
تحصیلات غیرحوزوی	۰/۱۶۵	۰/۹۲

۳. بر اساس نتایج به دست آمده از رگرسیون چندگانه، متغیرهای سال ورود به حوزه با ضریب رگرسیونی ۰/۰۸۱ و سن پاسخ‌گویان با ضریب رگرسیونی ۰/۱۱۵ رابطه معنادار و مستقیمی با نحوه ارزیابی طلاب از رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی دارند. در تحلیل یافته‌های مزبور می‌توان گفت: ارزیابی پاسخ‌گویان از رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی در صورت افزایش سن پاسخ‌گویان و

جدول (۶): ستاده‌های آزمون T برای متغیر نحوه ارزیابی ورود روحانیت به عرصه سیاست و متغیرهای وضعیت تأهل و جنسیت

متغیرهای زمینه‌ای	مقدار آزمون T	سطح معناداری
وضعیت تأهل	-۱/۱۷	۰/۲۴۳
جنسیت	-۰/۴۵۳	۰/۶۵۰

۲. نتایج آنالیز واریانس (آزمون F) نشان‌دهنده نبود رابطه معنادار آماری میان متغیرهای سطح تحصیلات حوزوی و غیرحوزوی و نیز وضعیت تملک محل سکونت طلاب با ارزیابی آنان از حضور روحانیت در عرصه سیاست است. بنابراین، تفاوت سطوح تحصیلی پاسخ‌گویان (حوزوی و غیرحوزوی) و نیز تفاوت در نحوه تملک واحد مسکونی از سوی آنان، هیچ تأثیری بر نحوه ارزیابی آنها از ضرورت حضور حوزه‌های علمیه و روحانیت در عرصه سیاست ندارد و طلاب فارغ از تفاوت‌های تحصیلی، همگی دیدگاه مشترکی در قبال لزوم اهتمام حوزه و روحانیت به امر سیاست دارند.

جدول (۷): ستاده‌های آزمون F برای متغیر نحوه ارزیابی از ورود روحانیت به عرصه سیاست

و متغیرهای وضعیت تحصیلی و نوع تملک محل سکونت

متغیرهای زمینه‌ای	مقدار آزمون F	سطح معناداری
نحوه تملک واحد مسکونی	۰/۵۵۷	۰/۶۴۴
تحصیلات حوزوی	۱/۱۶۸	۰/۳۲۱
تحصیلات غیرحوزوی	۰/۱۱۶	۰/۹۵۱

۳. بر اساس نتایج به دست آمده از رگرسیون چندگانه، متغیر سال ورود به حوزه فاقد رابطه معنادار با متغیر «ورود روحانیت به عرصه سیاست» است. اما متغیر سن با ضریب رگرسیونی ۰/۱۳۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۱، رابطه معنادار و مستقیمی با نحوه ارزیابی طلاب از حضور روحانیت در عرصه سیاست دارد. در تحلیل یافته‌های مزبور می‌توان گفت: ارزیابی پاسخ‌گویان از ورود روحانیت و حوزه‌های علمیه به سیاست با افزایش سن پاسخ‌گویان مثبت‌تر می‌شود. بر اساس یافته جدول شماره (۸) با افزایش هر یک سال به سن طلاب، قریب ۱۳ درصد بر ارزیابی مثبت آنان در خصوص ضرورت اهتمام حوزه‌های علمیه و روحانیت به حضور فعال در عرصه سیاست و عدم بی‌تفاوتی در این خصوص افزوده می‌شود:

جدول (۸): تحلیل رگرسیون چندگانه برای متغیرهای سال ورود به حوزه و سن پاسخ‌گویان با متغیر نحوه ارزیابی ورود روحانیت به عرصه سیاست

متغیرهای زمینه‌ای	ضرایب رگرسیونی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین
ورود به حوزه	۰/۰۲۴	۰/۵۴۸	۰/۱۳۰	۰/۰۱۷
سن	۰/۱۳۴	۰/۰۰۱		

تفصیل یافته‌های مربوط به ارزیابی طلاب حوزه علمیه قم از ورود روحانیت و حوزه علمیه قم به عرصه سیاست و یا ضرورت اتخاذ موضع بی‌تفاوت در باب مسائل سیاسی، در جدول شماره (۵) آمده است:

جدول (۵): توزیع نظرات طلاب در خصوص حضور روحانیت در عرصه سیاست

گویه‌ها	کاملاً موافق	موافق	مخالف	کاملاً مخالف	بی‌تفاوت	مردم	مجموع موافق و کاملاً موافق
حضور روحانیت در متن تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه ضرورت دارد	۷۱/۵	۲۵/۶	۱/۴	۰/۵	۱/۱	۱۰۰	۹۷/۱
بی‌تفاوتی حوزه علمیه در قبال مسائل سیاسی جامعه باعث آسیب رسیدن به دین می‌شود	۷۰/۱	۲۳/۱	۳/۷	۱/۵	۱/۵	۱۰۰	۹۳/۲
وجود اختلاف و نزاع سیاسی و جناحی در بین روحانیت باعث بدبینی مردم به روحانیت می‌شود	۶۱/۵	۲۶/۲	۸/۶	۲/۶	۱/۱	۱۰۰	۸۷/۷
ورود حوزه‌های علمیه در مسائل سیاسی باعث دین‌گریزی مردم می‌شود	۹/۷	۸/۹	۳۶/۸	۴۳/۶	۰/۹	۱۰۰	۱۸/۶

پس از توصیف نحوه ارزیابی طلاب از نسبت نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا تفاوت ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخ‌گویان بر نحوه ارزیابی آنها از ورود روحانیت به عرصه سیاست تأثیرگذار است یا خیر؟ به بیان دیگر، آیا این نتایج تحت تأثیر جنسیت، سن، وضعیت تأهل، و پایه تحصیلی پاسخ‌گویان تغییر می‌کند، یا به‌رغم تفاوت طلاب در ویژگی‌های مزبور، تفاوت معناداری میان چگونگی ارزیابی آنان از ضرورت اهتمام حوزه علمیه و روحانیت به مقوله سیاست وجود ندارد؟ برای پاسخ به سؤالات مزبور، داده‌های تحقیق متناسب با سطح سنجش، با استفاده از آزمون‌های آماری آنالیز واریانس و رگرسیون چندگانه مجدداً تحلیل شد. نتایج به دست آمده به شرح ذیل است:

۱. نتایج آزمون آماری «T استودنت» نشانگر فقدان رابطه معنادار آماری میان متغیرهای وضعیت تأهل و جنسیت با متغیر «ورود حوزه علمیه و روحانیت به عرصه سیاست» است. بر اساس نتایج مزبور، طلاب مجرد و متأهل و نیز طلاب دختر و پسر دیدگاه یکسانی در خصوص اصل «حضور روحانیت و حوزه علمیه در عرصه سیاست» و نیز آثار حضور یا عدم حضور روحانیت در این عرصه دارند. بنابراین، با اطمینان می‌توان گفت: یافته‌های جدول شماره (۵) برابند دیدگاه تمام طلاب بوده و وضعیت تأهل و نیز جنسیت آنان تأثیری در نوع نگاه آنها به ورود حوزه‌های علمیه و روحانیت به عرصه سیاست ندارد.

نتیجه گیری

مقاله حاضر با ابتدا بر داده‌های میدانی به دست آمده از روش پیمایش، کوشید تصویری واقع‌نگر از نحوه نگرش طلاب سطوح گوناگون حوزه علمیه، به دو مقوله مهم «رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی» و «ورود روحانیت و حوزه علمیه در عرصه سیاست» را ترسیم کند. نتایج این تحقیق نشانگر ارزیابی مثبت طلاب از رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی و نیز تأکید آنان بر ضرورت ورود روحانیت و حوزه‌های علمیه به عرصه سیاست است.

نکته درخور اهتمام اینکه بررسی یافته‌های تحقیق به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای، نشانگر وجود اجماع نسبتاً بالا در میان حوزویان است؛ به این معنا که طلاب سطوح دوم، سوم و چهارم حوزه به‌رغم تفاوت در ویژگی‌های زمینه‌ای (جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و نوع تملک محل سکونت) همگی در نحوه ارزیابی از رابطه حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی دیدگاه یکسانی ابراز کرده‌اند. در این میان، دو متغیر «سن طلاب» و «سال ورود به حوزه علمیه» تأثیر مستقیم و معناداری بر نگاه پاسخ‌گویان به چگونگی مناسبات نظام اسلامی و حوزه علمیه داشته است. در باب نحوه ارزیابی پاسخ‌گویان از ضرورت اهتمام یا بی‌تفاوتی روحانیت در قبال امور سیاسی نیز همگرایی بالایی میان نظرات آنان وجود دارد و تفاوت در متغیرهای زمینه‌ای تأثیر خاصی بر دیدگاه آنان در این خصوص ندارد. البته تنها استثنا در این زمینه، تأثیر متغیر «سن» است. با افزایش سن (و به تبع آن، افزایش دانش و تجربه) طلاب جامعه آماری، ارزیابی آنان از ضرورت حضور روحانیت و حوزه علمیه در عرصه سیاست مثبت‌تر می‌شود. بنابراین، با توجه به استخراج گویه‌های این تحقیق از سخنان امام راحل و مقام معظم رهبری، در پایان با اطمینان می‌توان گفت: طلاب حوزه علمیه قم با اتخاذ موضع همدلانه در قبال رابطه نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه و نیز ضرورت حضور روحانیت و حوزه‌های علمیه در عرصه سیاست، به‌گونه‌ای مهر تأیید بر مواضع امام راحل و رهبری نظام در این خصوص نهاده و آمادگی خود را برای همراهی در این مسیر اعلام داشته‌اند.

منابع

- دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵، *حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- فلاح، محمدرضا، ۱۳۸۸، «نگاهی به روش‌شناسی امام در باب ورود روحانی به عرصه سیاست»، *پگاه حوزه*، ش ۶۱.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۴، *روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی علیه السلام*، آثار موضوعی، تهران، تیبان.
- مجتبی‌زاده، علی، ۱۳۹۱، *رابطه روحانیت و نظام اسلامی از منظر امام و رهبری*، قم، مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات.
- معصومی، علی، ۱۳۹۰، «تعامل روحانیت و دولت اسلامی»، *معرفت سیاسی*، ش ۱، ص ۳۵-۶۴.
- ، ۱۳۹۲، *درآمدی بر مناسبات روحانیت و دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی*، قم، المصطفی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.